

رایج ترین پرسش ها و شبهات پیرامون ارث زنان

در این نوشتار، به پاسخ رایج ترین پرسش ها و شبهات پیرامون ارث زنان خواهیم پرداخت.



در این نوشتار، به پاسخ رایج ترین پرسش ها و شبهات پیرامون ارث زنان خواهیم پرداخت.

چرا در اسلام زن نصف مرد ارث می برد؟

اصل برخورداری زن از ارث به روشنی در قوانین اسلام مطرح است و اسلام در زمانی این اصل را اعلام نمود که نه تنها در محیط عرب جاهلی، بلکه حتی در جوامع متمدن آن روزگار نیز نه تنها زنان از ارث محروم بودند، بلکه گاهی زنان به عنوان بخشی از میراث، به وراثت منتقل می شدند.

همان طور که گوستاو لوبون اعتراف می کند: «اسلام اولین نظام حقوقی جهان است که حق ارث بردن زنان را به رسمیت شناخت».

در اصل بهره مندی از ارث، اسلام، زنان را همچون مردان قرار داده و حتی در مقام تعیین سهام ارث سهم او را پایه قرار داده و فرموده است: «لِلذَّكَرِ مِثْلُ مِثْلِ الْأُنثَيَيْنِ» و با بیان این قاعده غالبی - و نه عمومی - سهم مرد را دوبرابر سهم زن به عنوان سهم پایه قرار داده است. این اختلاف در سهم علی رغم آن اشتراک در اصل، خود پرسش برانگیز است. که در اینجا به تبیین مهم ترین حکمت های این امر اشاره می کنیم:

1. جبران بار مالی مهریه، نفقه و جهیزیه

یکی از دلایل این مطلب که سهم ارث زن در برخی موارد نصف مرد است وضع خاص زن در مورد حق نفقه و مهریه در برابر مرد است. همانگونه که استاد شهید مطهری رحمه الله می فرماید:

«اسلام چون مهر و نفقه بر مرد را لازم می داند؛ برای مرد دو برابر زن سهم ارث قرار داده است».

ممکن است اشکال شود که چرا اسلام سهم ارث زنان را کم می کند تا با مهریه و نفقه آن را جبران کند؟ چرا از همان ابتدا مانند قوانین غربی سهم ارث برابر به آنها نمی دهد و تکلیف مهریه و نفقه را از گردن مرد برنمی دارد؟

استاد شهید مطهری رحمه الله در جواب این شبهه می گوید:

«اولاً، این دایگان مهربان تر از مادر، علت را به جای معلول و معلول را به جای علت گرفته اند. اینها خیال کرده اند مهر و نفقه معلول وضع خاص ارثی زن است، غافل از اینکه وضع خاص ارثی زن معلول مهر و نفقه است. ثانیاً، گمان کرده اند آنچه در اینجا وجود دارد صرفاً جنبه مالی و اقتصادی است».

بدیهی است اگر تنها جنبه مالی و اقتصادی مطرح بود دلیلی نداشت که مهر و نفقه ای در کار باشد و یا سهم ارث زن و مرد تفاوت داشته باشد.

در مورد لزوم نفقه و مهریه، اسلام جهات زیادی را که بعضی طبیعی و بعضی روانی است در نظر گرفته است. از یک طرف احتیاجات و گرفتاری های زیاد زن از لحاظ تولید نسل مطرح است در صورتی که مرد طبعاً از همه آنها آزاد است.

از طرف دیگر قدرت کمتر او از مرد در تولید و تحصیل ثروت، و از جانب سوم استهلاک ثروت بیشتر او از مرد، به علاوه ملاحظات روانی و روحی خاص زن و مرد و به عبارت دیگر روانشناسی زن و مرد و اینکه مرد همواره باید به صورت خرج کننده برای زن باشد و بالاخره ملاحظات دقیق روانی و اجتماعی که سبب استحکام علقه خانوادگی می شود، اسلام همه اینها را در نظر گرفته و مهر و نفقه را از این جهات لازم دانسته است.

این امور ضروری و لازم به طور غیرمستقیم سبب شده که بر بودجه مرد تحمیل وارد شود، از این رو اسلام دستور داده که به خاطر جبران تحمیلی که بر مرد شده است مرد دو برابر زن سهم ارث ببرد. پس تنها جنبه مالی و اقتصادی در میان نیست که گفته شود چه لزومی دارد در یک جا سهم زن کسر شود و در جای دیگر جبران گردد.1.

2. جبران برخی تکالیف اجتماعی و جزایی

در مورد مرد یکسری وظایف اجتماعی و خانوادگی، غیر از مهریه و نفقه وجود دارد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم سبب تحمیل بار اقتصادی و مادی می گردد در حالی که از نتایج این تکالیف اجتماعی، زنان نیز بهره مند می شوند.

دو برابر بودن سهم ارث مرد نسبت به زن در بعضی مصادیق جبران کننده این تحمیل مالی علیه مردان است. به عنوان مثال وظیفه جهاد و مبارزه با دشمن همواره از وظایف مردان بوده است که در ضمن آن مرد از کارهای اقتصادی و مالی و تأمین معاش بازمانده و حتی متحمل مخارج زیادی نیز می گردد.

حتی در زمان حاضر نیز مردان موظف هستند دو سال از بهترین موقعیت زندگی خود را که می تواند فرصت مغتنمی برای کسب درآمد و شکل گیری آینده شغلی و مالی آنها باشد را برای خدمت سربازی سپری کنند در حالی که زنان می توانند با فراق بال به کسب درآمد یا تشکیل خانواده بپردازند از این رو دوبرابر شدن سهم ارث مرد می تواند جبران کننده این خلاء اقتصادی گردد.

از طرف دیگر در برخی از قوانین جزایی مانند: دیه در جنایت خطایی که برعهده عاقله است فقط خویشاوندان نسبی مرد موظف به پرداخت آن هستند در حالی که زنان از این وظیفه مالی و اقتصادی معاف هستند. یعنی اگر دختر یک خانواده مرتکب جنایت خطایی شد این وظیفه برادران و یا دیگر بستگان مرد است که دیه این جنایت را بدهند ولی زنان هرگز چنین وظیفه ای ندارند.

از این رو امام صادق علیه السلام در جواب یکی از مخالفان که در مورد نصف بودن دیه زن نسبت به مرد اشکال کرده بود فرمودند: «این برای آن است که اسلام جهاد و مرزداري را از عهده زن برداشته و به علاوه مهر و نفقه را به نفع او بر مرد لازم شمرده است و در بعضی جنایات خطایی که خویشاوندان جانی باید دیه بپردازند زن از پرداخت دیه و شرکت با دیگران معاف است»².

3. جبران زحمات اقتصادی و حمایتی فرزندان پسر

به طور معمول پسران از آغاز تا پایان عمر یک خانواده در چارچوب نظام اقتصادی خانواده قرار گرفته و در پیشبرد تکالیف اقتصادی با به پای مدیر خانواده دخالت مؤثر دارند. همچنین تکالیف نگهداری و حضانت عاطفی و مالی دیگر اعضای خانواده خصوصاً پدر و مادر در زمان پیری و درماندگی عملاً بر عهده فرزندان پسر خانواده قرار دارد این در حالی است که دختران خانواده نه تنها چنین نقشی در شکل گیری اقتصاد خانواده ندارند بلکه تحت مدیریت اقتصادی مرد قرار گرفته و امکان حضانت و نگهداری پدر و مادر یا دیگر اعضا خانواده را کمتر پیدا کنند.

4. تأثیر نحوه توارث بر تقویت نظام خانواده³

علاوه بر نتایج قبلی که هرکدام تأکیدی بر ساختار الگوی نظام خانواده است نحوه توارث به این شکل در مبانی نظام خانواده تأثیر به سزایی دارد. همان طور که در بحث قوامیت مرد در مدیریت اقتصادی و مدیریت خارجی منزل گفته شد یکی از نکات مرفقی و مثبت نظام خانواده تأکید بر نقش مدیریتی مرد است. پشتوانه اقتصادی مرد یکی از مهمترین مؤلفه ها برای عملی کردن این نقش است به گونه ای که آیه 34 سوره نساء مدیریت مرد را بر این مؤلفه اساسی منوط کرده است. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ يَمَا قَضَى اللّٰهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ يَمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»؛ «مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتری هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و به خاطر انفاق هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می کنند».

بی شک تفصیل اقتصادی مرد نسبت به زن در مورد ارث زمینه ساز مدیریت اقتصادی مرد و محقق کننده مصلحت تک تک افراد خانواده و جامعه است.

اشاره به چند نکته پایانی در مورد ارث زن و مرد:

الف. اختلاف در سهم ارث، هرگز جنبه ارزشی نداشته و دوبرابر بودن سهم ارث مرد نسبت به زن هرگز به معنای ارزش مضاعف مردان نیست. همانطور که بیشتر بودن سهم ارث دختر نسبت به پدر نشانه ارزش بیشتر دختر نسبت به پدر یا بالعکس نیست.

ب. مبنای تقسیم و تسهیم در ارث، لزوم رعایت تناسب و تعادل حقوق هرکس با وظایف او است. توجه به این نکته توهم ظالمانه و تبعیض آمیز بودن این تسهیم را از بین می برد. اگر مسئله ارث به عنوان بخشی از حقوق خانواده و مرتبط با نظام اجتماعی مدّ نظر قرار گیرد و مجموعه نظام حقوق خانواده به عنوان جزئی از نظام حقوقی اسلام که در بردارنده مصالح مادی و معنوی است مورد مطالعه و دقت واقع شود و حقوق و تکالیف مختلف زنان و مردان در صحنه خانواده و اجتماع به خصوص از بُعد اقتصادی با هم مقایسه شود به خوبی روشن می شود که در این تسهیم نه تنها به زن ظلم نشده است بلکه مصلحت های فردی، روانی، و اجتماعی او به بهترین شکل مدنظر قرار گرفته است.

ج. هر چند ظاهر این تسهیم، در برخی موارد برخورداری مضاعف مرد از ارث و مزایای اقتصادی است ولی واقعیت چنین نیست، زیرا اگر چه نتیجه این تقسیم آن است که در مرحله «تملک» مرد دو برابر بیش از زن مالک می شود ولی در مرحله «مصرف و اختصاص» تقریباً زن بیش از مرد بهره می برد زیرا زن سهم و دارایی خود را برای خود نگه می دارد و هیچ الزامی برای خرج کردن آن ندارد. اما سهم مرد عملاً و غالباً در جریان انفاق و تأمین هزینه به خانواده اش که به طور تقریبی نیمی از آن را زنان تشکیل می دهند باز می گردد.

د. غالباً و نوعاً مرد بیش از زن می تواند از سرمایه خویش در گردش اقتصادی جامعه استفاده کند و به این وسیله از رکود اقتصادی جامعه پیش گیری و زمینه تعالی و تکامل اقتصاد جامعه را به وجود می آورد.⁴

ه. در اسلام سهم ارث زن همواره نصف مرد نیست. در برخی موارد سهم ارث زن و مرد با هم مساوی مانند پدر و مادر که هر کدام یک ششم ارث می برند یا حتی ممکن است سهم ارث زن بیشتر از مرد باشد. مثل اینکه شوهر و یک دختر از متوفی وجود داشته باشد که سهم دختر سه برابر سهم پدرش می شود یا اگر ورثه متوفی پدر و یک دختر باشد سهم دختر متوفی پنج برابر سهم پدر متوفی می شود. رایج ترین پرسش ها و شبهات پیرامون ارث زنان

شبهه ای پیرامون ارث زنان و دختران
برخی همواره این شبهه را مطرح می نمایند که: چرا اسلام هیچ گاه زنان و دختران را خارج از چارچوب خانواده و به صورت مجرّد در نظر نمی گیرد؟ توجیه احکام مربوط به ارث و دیه فقط در صورتی درست است که ما زن و مرد را متأهل فرض کنیم؟

در این باره باید دانست؛ حقوق و احکام اختصاصی زنان و دختران، گاهی مربوط به قبل از ازدواج و تشکیل خانواده است. مثل مسئله بلوغ، رضایت پدر در ازدواج و حضانت و گاهی به طور مشخص در چارچوب خانواده در نظر گرفته شده اند؛ مانند مسئله نفقه همسر و احکام زناشویی و گاهی به جهت خصلت ها و ویژگی ها زنان می باشد؛ مثل شهادت دادن زنان در محاکم یا تصدّی امر قضا یا لزوم پوشش و حجاب و

در این میان بعضی از حقوق و احکام اختصاص به زنان مجرّد یا متأهل ندارد؛ مثل مسئله ارث که یک نحوه گردش طبیعی ثروت از پدر و مادر به فرزندان و از آنان به فرزندانشان است. روشن است که نگاه ایستا به مسئله ارث، ناتمام است؛ بلکه در یک نگاه فراتر، پسران کنونی، مردان آینده اند که باید از قبل از ازدواج، آمادگی برای تشکیل خانواده و منابع مالی تأمین هزینه زندگی را داشته باشند. این طور نیست که یک روز قبل و یا هم زمان با ازدواج و تأهل، بتوانند آمادگی کسب کنند.

در بحث دیه نیز چنین است؛ در واقع به عنوان نگاه نوعی به زنان و مردان، وضعیت متمایز زن و مرد را در بین نوع افراد و نه یکایک آنان اقتضا می کند. جهت روشن شدن این موضوع به نکاتی اشاره می شود:

یکم. تفاوت هایی در بین افراد جامعه از حیث درآمد، شغل، مجرّد بودن، متأهل بودن و کودک و بزرگسال بودن وجود دارد. قانونگذار چنانچه بخواهد در مقام وضع قانون، همه اختلاف ها را در نظر بگیرد، کاری غیرعملی و ناممکن است و اگر بخواهد به هر گونه تفاوت و اختلافی بی توجه باشد، خلاف ضرورت تشریع و تقنین است و مصالح آن طور که باید، تأمین نمی شود. از این رو قانونگذار، قانون را برای نوع افراد جامعه وضع می کند؛ نه افراد و گروه معدود. البته در مقام عمل و اجرای قانون، باید شرایط و اوضاع و احوال افراد در نظر گرفته شود؛ همچنان که با انعقاد قراردادهای طرفینی، می توان شرایط ویژه ای را لحاظ کرد.

نتیجه آنکه اسلام، با توجه به همه جوانب، قانون کلی را برای نوع زن و مرد، وضع کرده و تفاوت میان مجرّد و متأهل و یا تفاوت شرایط و صفات افراد را به گونه های دیگر جبران کرده است.

دوم. گستره حکمت های تفاوت ارث، با توجه به اینکه بیشتر افراد مجرّد، ازدواج خواهند کرد، در همه جا جاری است. زنان - چه در هنگام تجرّد و چه غیر آن - پس از تملک ارث، حق دارند آن را برای خود نگه دارند و حتی پس از ازدواج نیز می توانند از بخشش آن به همسر یا خرج آن در منزل، امتناع کنند. اما مردان، هر چند در سنین کودکی وارث مالی شوند، پس از ازدواج لازم است آن را برای خانواده خود خرج می کنند. علاوه بر آن جواز وصیت تا یک سوم اموال برای بعضی از افراد که ممکن است تا آخر عمر مجرّد بمانند، می تواند راه کار مؤثری برای امنیت اقتصادی آنان باشد.⁵

سوم. همه مصالح نهفته در احکام شرعی برای ما روشن نیست؛ ولی با توجه به علم و حکمت و قدرت و لطف الهی یقین داریم که این احکام، بر حق و منطبق یا مصلحت جامعه انسانی است. این همان تعبّد است که ریشه در عقلانیت دارد؛ وگرنه ما با عقل و درک محدود خود، نمی دانیم و شاید نتوانیم بفهمیم که چرا اگر مقتول یک جنین پسر باشد، دیه او دو برابر یک جنین دختر

است؛ در حالی که آنها هنوز وارد صحنه اجتماع و زندگی جمعی نشده اند تا آن حکمت های پیش گفته در مورد آن صدق کند.

شرط ارث بردن زن و شوهر از یکدیگر چیست؟ آیا آمیزش و عدم آمیزش دخالت دارد؟!

در کتاب تحریرالوسیله امام خمینی رحمه الله آمده است:

«یشترط فی التوراث بالزوجیه ان یکون العقد دائماً... و ان تكون الزوج فی حبال الزوجه و ان لم یدخل بها، فیتوارثان و لو مع عدم الدخول...»⁶؛

«شرط در ارث بردن زن و شوهر در زوجیت این است که عقد دائم باشد... و دیگر آنکه زن در عقد زوج باشد، هر چند آمیزش انجام نگرفته باشد. بنابراین حتی در صورت عدم آمیزش از یکدیگر ارث می برند».

ایشان در ادامه می گویند حتی مطلقه رجعی مادامی که در عده است، در حکم زوجه می باشد به خلاف مطلقه بائن؛ پس اگر یکی از آنها در زمان عده رجعی بمیرد، دیگری از او ارث می برد، به خلاف آن که در عده طلاق بائن بمیرد.

افزون بر آن زن نصف مهر را اگر قبلاً دریافت نکرده و آمیزش صورت نگرفته باشد، از ماترک شوهر اخذ می کند. رایج ترین پرسش ها و شبهات پیرامون ارث زنان

چرایی محرومیت زن از ارث اموال غیرمنقول

برخی همواره این سوال را مطرح می نمایند که: زن از ارث اموال غیرمنقول محروم است و بعد از طلاق یا مرگ شوهر حق نفقه ندارد. در این صورت چه تضمینی برای اداره زندگی او وجود دارد؟

در این باره باید دانست؛ اولاً، زن از زمین ارث نمی برد، ولی از دیگر اموال شوهر و نیز قیمت دیگر اشیای غیرمنقول، مانند ساختمان و یا درختان باغ و امثال آن ارث می برد.⁷

علاوه بر این زن مالک مهریه خود است که در زمان حیات شوهر به طور کامل می گیرد و یا از اموال او بعد از مرگ اخذ می نماید.

ثانیاً، پس از فوت شوهر، زن نسبت به شوهر که در قید حیات نیست حق نفقه ندارد لکن در صورتی که امکان اداره زندگی را نداشته باشد حق نفقه بر فرزندان یا بستگان خویش را داراست و بر همه فرزندان واجب است نفقه مادر خویش را بپردازند. در صورت عدم وجود فرزندان، بستگان نسبی زن (هر کدام نزدیک تر هستند) واجب است نفقه او را متقبل شوند.

ثالثاً، زن پس از فوت شوهر آزاد است و می تواند از خانه بیرون رود و یا در خانه به کار اقتصادی مبادرت ورزد. بلکه قبل از آن نیز با به رسمیت شناختن حق مالکیت اقتصادی و استقلال در مالکیت زنان توسط شریعت اسلامی، زمینه توانایی بر اداره زندگی بعد از فوت شوهر برای آنان هست و دستور نفقه و وجوب آن بر شوهر به جهت آن است که زنان به فعالیت های خارج از منزل چنان روی نیاورند که از تربیت فرزندان و همسررداری غافل شوند.

بالاخره آنکه زنان در انجام همان کارهای خانگی مانند شیر دادن فرزندان خود و یا شستن لباس و آماده کردن غذا، نیز حق تقاضای دستمزد و اجرت دارند زیرا هیچ یک از این ها از الزامات حقوقی بر زنان نیست. لذا زنان می توانند از این جهت نیز مالک شوند و در صورتی که این کارها را به قصد اجرت انجام داده باشند می توان از یکی از دستورهای حمایتی اسلام آن است که مردها وصیت کنند به مدت یک سال نفقه همسرانشان از دارایی آنها پرداخت شود.

قرآن کریم در آیه 240 سوره بقره می فرماید:

«وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ مِثْلَكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْوَاجَهُمْ مَتَاعاً إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنَ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛

«کسانی که از شما در آستانه مرگ قرار می گیرد و همسرانی از خود بجا می گذارد باید برای همسران خود وصیت کنند که تا یک سال آنها را با پرداختن هزینه زندگی بهره مند سازند به شرط آنکه [شوهر نکنند] و از خانه شوهر بیرون نروند و اگر [شوهر کردند] و بیرون رفتند گناهی بر شما نیست به آنچه درباره خود به طور شایسته انجام می دهند و خداوند عزیز و حکیم است».

علاوه بر اینکه عدم ارث زن از زمین، اگرچه حکم مشهور فقهی است لکن مخالفینی بین مراجع دارد. به عنوان مثال مقام معظم رهبری به ارث زن نسبت به قیمت زمین فتوا داده اند.⁸

در پایان گفتنی است؛ چه بسا یکی از حکمت های مهم بهره مندی کمتر زن از ارث، به جهت آن باشد که انگیزه و زمینه نیاز او به ازدواج مجدد بیشتر فراهم گردد.

پی نوشت ها:

1. حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، ص 285.
 2. همان، ص 287.
 3. نظری به نظام اقتصادی اسلام، استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله، ص 170.
 4. برای آگاهی بیشتر رک: تفسیر نمونه، ج 3، ص 290، ذیل آیه 11 سوره نساء، دارالکتب الاسلامیه.
 5. برای آگاهی بیشتر رک: زن در آیینه جلال و جمال، ص 70 به بعد.
 6. تحریر الوسیله، حضرت امام خمینی رحمه الله، ج 2، ص 396، مسأله 2.
 7. تحریر الوسیله، حضرت امام خمینی رحمه الله، ج 2، ص 396، مسأله 5.
 8. مراجعه کنید به سایت معظم له: www.leader.ir
- منبع: حقوق خانوادگی زن، سید ابراهیم حسینی با همکاری گروه محققان، نشر معارف، چاپ دوم، پاییز 1389ش.
راسخون